



چرا دعايمان مستجاب نمى شود؟ پاسخ علامه طهرانى

علامه طهرانى مى گويد: دعاها غالباً به سود شخصى و در تضاد منافع عمومى است. يعنى شخص دعاکننده براى خودش چيزى را مى طلبد که اگر برآورده شود، مستلزم سلب آن چيز از ديگران خواهد بود.

علامه طهرانى مى گويد: دعاها غالباً به سود شخصى و در تضاد منافع عمومى است. يعنى شخص دعاکننده براى خودش چيزى را مى طلبد که اگر برآورده شود، مستلزم سلب آن چيز از ديگران خواهد بود.

به گزارش خبرنگار آيين و اندیشه خبرگزاري فارس، علامه آيت الله سيد محمدحسين حسيني طهرانى در کتاب «روح مجرد» مباحثى را پيرامون عدم استجابت دعا طرح مى کند. وى در آن مقال پس از بيان معنى ولايت که عبوديت صرفه و محو و نيست شدن در ذات خداست، ولايت ولى خدا را مقامى رفيع مى داند که اندیشه ها را بدان راه نيست، در بيان کار اوليائى الهى مى نويسد که: کار اولياء الله کار حق است و همه کارها از آنان ساخته است؛ از شفای مرضى، و إحياء موتى، و معجزات و کرامات و خوارق عادات، و تصرف در مواد طبيعت، و إعمال کارهايى که با عقل تجربى و حسى ابدأ درست در مى آيد.

* غالب دعاهاى مردم از درون قلب برنخاسته است

علامه طهرانى على را براى عدم استجابت دعا مطرح مى کند و مى افزايد: بنا بر اين مى بينيم با اين سعه عظمت و گسترش قدرت روحى و تکوينى، ائمه عليهم اسلام تمام خواهش ها و طلب هاى مردم را برآورده نمى کنند. به چند علت:

اول آنکه؛ غالباً دعاهاى مردم جدى نيست، و از درون قلب برنخاسته است

دعاهاى مردم چه بسا از روى عادت و تقليد و اتکاء به اسباب ظاهريه و اعتماد به امور اعتباريه است. و در اين صورت، حقيقت دعائى که از سر ايشان برخاسته باشد نيست؛ و گر نه در صورت اضطرار و انقطاع کامل، همين دعاها مستجاب و خواهش دوران ها برآورده مى شود.

«وَأَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ؛ يا آن کس که دعای بيچارگان و درماندگان را برآورده مى کند در صورتى که او را بخوانند، و گرفتارى و مضرت را از آنان بر مى دارد؟»

علت دوم اين است که دعاها غالباً به منافع شخصى است

اين استاد فقيد حوزه علميه دومين علت را چنين بر مى شمرد: دوم آنکه: دعاها غالباً به منافع شخصى و إعراض از منافع عمومى است. يعنى شخص دعا کننده براى خودش چيزى را بخصوصه مى طلبد در صورتى که اگر بر آورده شود مستلزم سلب آن چيز از وى خواهد بود. مثلاً شخصى متوسل به امام مى شود و جدأ دعا مى کند که ظلم همسايه از وى رفع شود، در حالى که خودش در درون منزل پيوسته به زنش شديدتر از آن ظلم مى کند و کسى هم خبر ندارد؛ در اين صورت اگر خداوند فقط دعای او را درباره همسايه مستجاب کند و او را از بين ببرد، به زن بيچاره اين ظالم ظلم نموده است، چرا که ظلم او را بر زنش مستدام داشته است؛ و اگر درباره

همه ظالمان که مقتضای سعه اُسماء جلالیه اوست مستجاب نماید، باید در وهله اول خود این مرد را از میان بردارد، چرا که در درون خانه به زنش ظلم می نماید. اما چون انسان همیشه به خویشتن خوش بین است، ظلم خود را قبیح نمی داند، بلکه ظلم خود را ظلم نمی بیند، آنگاه دعا برای رفع ظلم غیر می کند. این گونه از دعا هم مستجاب نمی گردد، زیرا که مالش به از میان رفتن جمیع ستمکاران از جمله خود اوست.

علت سوم اینکه؛ غالب خواسته های مردم، خلاف مصالح واقعی آنان است

علامه حسینی طهرانی (ره) با خاطر نشان کرد: این نکته که سومین علت از علل عدم استجابت دعا آن است که: «؛دعاهای مردم غالباً بر خلاف مصلحت آنهاست؛ یعنی آنان روی اندیشه و فکر خود چیزی را می طلبند و بر آن اصرار دارند که اگر بر آورده شود بر ضرر آنهاست» توضیح می دهند که: مردم «؛چون خودشان در پرده حجاب واقعند و بر اُسرار آگاه نیستند، چنین تخیل می نمایند که آن دعا به منفعتشان است.»

وی می افزاید: مردم غالباً از مصالح و مفاسد معنوی و حقیقی غافلند، و مصلحت و مفاسد را بر اساس زیاده روی در شهوات و تمتع از لذایذ خسیسه دنیویه و اندوختن مال و ثروت و ما شابه ها تصور می کنند؛ خواه موجب آرامش خیالشان بشود یا نشود، و خواه روحشان را آزاد نگه بدارد و یا ندارد، و یا نفسشان را در تعب بیفکند یا نیفکند، و بطور کلی خواه درجه و مقام علمی و قرب آنان را به خداوند بیفزاید و یا نیفزاید؛ در حالی که این اندیشه خلاف صلاحشان است. چه بسا یک قاشق حلوا شیرین، در بدنشان ایجاد سم کشنده بنماید؛ و چه بسا زیادی مال و زراندوزی، آنان را به طغیان و سرکشی درآورد؛ و چه بسا صحت مزاج، ایشان را به غفلت و مَرَح و فخریه بکشاند؛ و چه بسا قدرت بدن و پهلوانی موجب به خاک در آوردن رقیب، و موجب عجب و خودپسندی آنها گردد؛ و امثال این مثال ها که چه بسیار است. آن وقت در برابر به چنگ آوردن منفعتی قلیل و موقتی، مضرتی کثیر و دائمی به آنها می رسد و خودشان هم نمی دانند. مسکینان دنبال لُهو و لعب می روند، و چشم به لذت زودگذر می دوزند، و از تعب و خستگی و درماندگی روحشان بدون اطلاع است.

* همه می گویند: وصله ای به وصله های لباس ما اضافه کن!

علامه طهرانی (ره) بیانی را از استاد سلوکی خویش سید هاشم حداد نقل کرده و می گوید: من می بینم در همه حرم های مشرفه مردم خود را به ضریح می چسبانند و با التجا و گریه و دعا می گویند: وصله ای بر وصله های لباس پاره ما اضافه کن تا سنگین تر شود. کسی نمی گوید: این وصله را بگیر از من تا من سبک تر شوم، و لباسم ساده تر و لطیف تر شود! حاجات مردم غالباً راجع به امور مادی است گرچه مشروع باشد، مثل ادا شدن قرض و به دست آمدن سرمایه کسب و خریدن منزل و ازدواج دختر جوان و شفای مریض و میهمانی دادن در ماه رمضان و امثالها. و اینها خوب است در صورتی که موجب قرب و تجرد انسان شود، نه آنکه بر شخصیت و اُنانیت وی افزوده کند و هستی او را تقویت نماید؛ زیرا این تقویت هستی موجب سنگینی نفس و بُعد از راه خدا می شود؛ به خلاف آنکه اینها باید موجب قرب و سبکی و انبساط نفس شود.

* عملی خوب و صلاح واقعی بشر است که موجب قرب شود

ایشان با تاکید بر این مطلب که «؛عملی خوب و صلاح واقعی بشر است که موجب قرب شود و نفس او را آزاد کند، خواه توأم با منفعت طبعی و طبیعی باشد و یا نباشد» در تبیین حقیقت انسان می آورند: به عبارت دیگر مجموعه انسان، مجموعه ای مانند

حیوان و نبات و جماد نیست که فقط پیکرش ملحوظ باشد و بس. انسان دارای نفس ناطقه و قابلیت ارتقاء به اُعلیٰ علیین است. و در این صورت اگر به آن پیکر فقط دلخوش باشد بسی زیان کرده است، و حقیقت وجودی و ثمره حیاتی خود را به ثمن بَخسی فروخته، و در میدان بازی این دنیا محروم مانده است. در مثل این فروض اگر امامان بخواهند حاجات همه را برآورند و دعای همه را مستجاب گردانند، برخلاف مصلحت ایشان مشی نموده اند. امامان مصلح عالم بشریت اند؛ حکم طبیب را دارند که به بیمار غذا و دوی تلخ و أحياناً عملیه جراحی و سوزن و پرهیز و گرسنگی می دهد. عاقلان می دانند و از دستور طبیب سرپیچی نمی کنند؛ ولی جاهلان و شهوت پرستان، یا اطفال بی سرپرست گوش فرا نمی دارند، و با دست خود گور خود را در مقابل خود حفر می نمایند.

البته چون نفس التجا و دعا محبوبیت دارد، این متوسلین و دعا کنندگان بهره معنوی می برند، و در این اُعتاب عالیّه دارای بهجت و نشاط و سبکی می شوند، و از لذت دنیا و عبادت بهره ور می شوند؛ و أحياناً می بینیم در صورتی که مصلحت اقتضا کند حاجاتشان برآورده می شود، و مریض های مشرف به مرگ و کور و افلیح شفا می یابند، و با برآورده شدن نیازها به اوطان خود مراجعت می نمایند.

برآورده شدن حاجات، اختصاصی به عتبه مبارکه حضرت ثامن الائمه علیه السلام ندارد؛ در همه اُعتاب مبارکه مطلب از همین قرار است. ما در زمان حیات خود به قدری از این بزرگواران هر کدام که باشند کرامت ها شنیده ایم که از حصر خارج است. حتی خود حقیر که منزلتان در طهران بود، و بسیار به زیارت امامزاده حضرت عبد العظیم(ع) مشرف می شدیم، من تا به حال یاد ندارم دعایی در آن محل مبارک کرده باشم و برآورده نشده باشد.